



Research Paper

A Survey and Typological analysis of pottery in the Andajin site of The Hamedan plain in Seljuk and Ilkhanid periods

Maryam Mohammadi^{*1} , Mostafa Rezaei² ¹ Assistant Professor, Department of Archeology, University of Bu-Ali Sina, Hamedan² PhD candidate in archeology, University of Bu-Ali Sina, Hamedan

10.22080/JIAR.2021.22290.1010

Received:

September 13, 2021

Accepted:

September 15, 2021

Available online:

September 22, 2021

Keywords:

Andajin site, Hamedan plain, typology, pottery, Seljuks and Ilkhanids

Abstract

., especially in the Islamic period, has led to the emergence of numerous cultures of pottery in this part of the country. Andajin site is one of the most significant Islamic sites in the Hamedan-Bahar plain, whose peak of prosperity and prosperity, according to the surviving evidence, belongs to the Seljuk and Ilkhanid periods. Considering the influence of Hamedan pottery cultures and consequently Andajin site from large areas of Islamic pottery production, the questions of this research are as follows: What are the most important types of pottery in Andajin Islamic site in Seljuk and Ilkhanid periods? And which type of pottery in this area has local and indigenous characteristics? The main purpose of this paper is to identify the types of pottery species in the study area. This process has been done by studying archaeological data obtained from new studies. In the present study, the method of descriptive-analytical research and data collection in the form of documents and field matching of the findings of this field with other regions has been done. The results show that more than 10 types of pottery of the fifth to eighth centuries AH have been identified. These include a variety of unglazed and glazed pottery similar to the pottery centers of western Iran, each of which can be divided into simple and patterned and multicolored sub-glazed and glazed subsets. In the meantime, specimens such as dishes decorated with multicolors on white roses are likely to have local characteristics

^{*}Corresponding Author: Maryam Mohammadi

Address: Department of Archeology, University of Bu-Ali Sina, Hamedan

Email: mohammadi7586@gmail.com

Tel: 09183165346



علمی

بررسی و تحلیل گونه شناسی سفال‌های محوطه آنداجین دشت همدان در ادوار سلجوقی و ایلخانی

مریم محمدی^{*۱} ID، مصطفی رضائی^۲ ID

^۱ استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان
^۲ دانشجوی دکتری باستان شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان



10.22080/JIAR.2021.22290.1010

چکیده

یکی از جنبه‌های اصلی در شناخت فرهنگ‌های گذشته، مطالعه و تحلیل آثار سفالی محوطه‌های باستانی است. از این رو، بررسی دقیق این دسته از آثار نقش مهمی در روشن شدن وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مکان‌ها داشته است. عبور مسیرهایی مانند شاهراه خراسان و راه فرعی شاهی از همدان در طول تاریخ به خصوص در دوره‌ی اسلامی باعث پیدایش فرهنگ‌های متعدد سفالگری در این بخش از کشور شده است. محوطه‌ی آنداجین یکی از شاخص‌ترین محوطه‌های اسلامی دشت همدان - بهار است که اوج شکوفایی و رونق آن با توجه به شواهد برجای مانده متعلق به دوره‌ی سلجوقی و ایلخانی است. با توجه به تأثیرپذیری فرهنگ‌های سفالگری همدان و به تبع آن محوطه‌ی آنداجین از مناطق بزرگ تولید سفالینه‌های اسلامی، در این پژوهش سعی شده است به پرسش‌هایی از قبیل: مهم‌ترین گونه‌های سفالگری محوطه‌ی اسلامی آنداجین در ادوار سلجوقی و ایلخانی کدام اند؟ و کدام گونه سفالی این محوطه از ویژگی‌های بومی و محلی برخوردار است؟ پاسخ داده شود. هدف اصلی این نگارش شناسایی انواع گونه‌های سفالی محوطه‌ی مورد مطالعه است که این فرآیند از طریق مطالعه داده‌های باستان‌شناختی حاصل از بررسی‌های نوین صورت گرفته است. در انجام پژوهش حاضر، روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی و تطبیق میدانی یافته‌های این حوزه با سایر مناطق صورت گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بیش از ۱۰ گونه سفالی شاخص قرن پنجم تا هشتم هجری از آن شناسایی شده که شامل انواع سفال‌های بدون لعاب و لعاب‌دار مشابه مراکز سفالگری غرب ایران است که هر یک به زیرمجموعه‌های ساده و منقوش و چندرنگ زیر و رو لعاب تقسیم می‌شوند. در این بین،

تاریخ دریافت:

۲۲ شهریور ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش:

۲۴ شهریور ۱۴۰۰

تاریخ انتشار:

۳۱ شهریور ۱۴۰۰

کلیدواژه‌ها:

محوطه‌ی آنداجین، دشت همدان، گونه شناسی، سفال، سلجوقی و ایلخانی

* نویسنده مسئول: مریم محمدی

آدرس: گروه باستان شناسی دانشگاه بوعلی سینا

ایمیل: mohammadi7586@gmail.com

تلفن: ۰۹۱۸۳۱۶۵۳۴۶

نمونه‌هایی همچون ظروف با تزئین چندرنگ بر روی گلابه سفید احتمالاً از ویژگی‌های محلی برخوردارند.

۱ مقدمه

تا هشتم هجری است که شامل سفال‌های ساده بدون لعاب و لعاب‌دار اعم از سفالینه‌های ساده بدون لعاب با نقش قالب‌زده، نقش کنده، نقش افزوده، گونه نقش کنده در گلابه، سفال سبک سلطان‌آباد، قلم مشکی زیر لعاب فیروزه‌ای، نقوش چندرنگ روی گلابه‌ی سفید، سایه نما و آبی و سفیدهای ادوار سلجوقی و ایلخانی است. منطقه‌ی مورد بررسی با توجه به اشارات متون تاریخی و شواهد برجای مانده یکی از مراکز فرهنگی در طول دوره‌ی اسلامی به شمار می‌آید که اوج شکوفایی آن بنا بر شواهد باستان‌شناسی و تاریخی مربوط به قرن هفتم و هشتم هجری که به‌عنوان یک شهرک استقرار/نظامی مطرح بوده است. بررسی و تحلیل انواع گونه‌های شاخص سفالی در طول سده‌های پنجم تا هشتم هجری و همچنین شناسایی نمونه‌های محلی از اهداف این پژوهش به شمار می‌آید. مهم‌ترین پرسش‌هایی که در روند انجام پژوهش باید به آن پاسخ داده شوند عبارت‌اند از: ۱. مهم‌ترین گونه‌های سفالگری محوطه‌ی آنداجین در ادوار سلجوقی و ایلخانی کدام اند؟ ۲. کدام گونه‌ی سفالی این محوطه از ویژگی‌های بومی و محلی برخوردار است؟

۲ روش پژوهش

در مقاله‌ی پیش رو داده‌ها به روش‌های اسنادی و میدانی گردآوری شده و رویکرد انجام پژوهش «توصیفی - تحلیلی» است. در روش اسنادی اطلاعات مربوط به پژوهش‌های باستان‌شناختی پیشین، جغرافیای طبیعی منطقه و مطالعات تطبیقی یافته‌ها جهت گاهنگاری جمع‌آوری شد. در مستندنگاری محوطه از بررسی روشمند باستان‌شناختی (روش شبکه‌بندی منظم) با یک

همدان فرهنگی در منطقه‌ی غرب ایران و در جوار زاگرس مرکزی قرار گرفته است. منطقه‌ی زاگرس مرکزی از گذشته‌های دور در برگزیده‌ی منطقه‌ای در طول شاهراه خراسان بزرگ است که مسیر طبیعی بغداد به همدان - با موقعیت سوق‌الجیشی - به شمار می‌آید. این منطقه ارتباط فلات مرکزی و شرق ایران را با غرب و بین‌النهرین میسر می‌ساخت. وجود مسیرهای اصلی، مانند شاهراه خراسان بزرگ و راه فرعی شاهی باعث تأثیرپذیری این منطقه از تغییر و تحولات فرهنگ‌های مختلف مراکز جمعیتی شده است. یکی از این تحولات در ایجاد سبک‌های گوناگون سفالگری دوران اسلامی دیده می‌شود. بررسی‌های سطحی روی سفال‌های دوران اسلامی محوطه آنداجین نشان از آن دارد که در این منطقه انواع سبک‌های سفالگری شناخته شده مناطق مختلف ایران، رواج داشته است. مشکل اصلی و اساسی در بررسی محوطه‌ی آنداجین، آشفتگی داده‌های آن است؛ از آنجایی که این محوطه از سال‌های دور تا به امروز هرساله بارها توسط کشاورزان مورد شخم‌زنی قرار گرفته، یافته‌ها و آثار برجای‌مانده از آن نیز به شدت پراکنده و مخدوش شده است؛ این امر مطالعه دقیق آن را با مشکل فراوان روبه‌رو ساخته است. با استناد به داده‌های حاصل از بررسی این محوطه، به نظر می‌رسد که به جز چند قرن اولیه که مستلزم انجام کاوش‌های باستان‌شناختی است اطلاعاتی در خصوص فرهنگ سفالگری این دوره در دسترس نیست. به بیانی دیگر عدم مطالعات دقیق در خصوص سفال‌های صدر اسلام و نیز شباهت فنی و هنری این دسته از آثار با نمونه‌های اواخر دوران تاریخی، بررسی دقیق آن را با مشکل روبه‌رو ساخته است. در اینجا عمده اطلاعات نظر به فراوانی داده‌ها، مربوط به قرن پنجم



آمده، پرداخته است. پژوهش اخیر با عنوان «مطالعه و بررسی تاریخی و باستان‌شناسی محوطه-ی اسلامی آنداجین شهرستان بهار (استان همدان)»؛ (محمدی و رضائی، ۱۳۹۹) به‌طور اخص به وضعیت باستان‌شناسی منطقه در دوره‌ی اسلامی پرداخته است.

۴ ویژگی‌های جغرافیایی و شواهد باستان‌شناسی محوطه آنداجین

محوطه‌ی آنداجین در ۱۰ کیلومتری شمال غرب شهر همدان، در شرق شهر بهار قرار گرفته است. این محوطه در میان حوضه‌ی آبریز دشت همدان بهار (سیمینه‌رود) - با وسعت ۲۴۵۹ کیلومترمربع در دامنه‌ی شمالی ارتفاعات الوند، دره وسیعی که از دو طرف به کوه‌های بلند واقع شده - شکل گرفته است. از نظر توپوگرافی و عوارض زمین‌شناسی این محوطه در بخش آبرفتی و شرقی زیستگاه دره‌ای کوهستان الوند و در میانه‌ی دشت وسیع و حاصلخیز قُرقُ بهار قرار دارد (تصویر ۱). این دشت در نتیجه‌ی آبرفت کوهستان الوند شکل گرفته است؛ چراکه بخش عمده‌ای از چشمه‌سارهای منشعب از الوند به این ناحیه که جلگه‌ی شمالی آن است، جاری‌اند. به جهت آبرفتی بودن دشت همدان - بهار، این منطقه دارای پتانسیل‌های طبیعی و زیستی با شرایط شکارگاه، کشاورزی و مراتع غنی است. به لحاظ مختصات جغرافیایی در شمالی‌ترین قسمت در مختصات ۲۷۰۱۶۳,۳۴ ME، ۳۸۶۷۷۸۶,۴۴ MN و در جنوبی‌ترین قسمت در ۲۷۰۵۷۴,۱۳ ME، ۳۸۶۴۱۴۵,۲۵ MN، منطقه ۳۹S قرار دارد. بخش اصلی محوطه بر اساس کثرت آثار و یافته‌های شاخص باستان‌شناسی از جمله قطعات سفالی و بقایای معماری برجای‌مانده، در ۲۷۰۲۰۴,۲۳ ME، ۳۸۶۴۲۶۹,۷۸ MN، منطقه ۳۹S، در ارتفاع ۱۷۱۴ متری از سطح دریا قرار گرفته است. با توجه به جغرافیای طبیعی منطقه و اشارات تاریخی به آن، این منطقه در دوره‌های مختلف به صورت مرتع و

رویکرد جدید و با به‌کارگیری نرم‌افزارهای کاربردی مانند GPS, Google Earth, Map Source انجام شده است. در ادامه قطعات سفالی با روش «نمونه‌برداری» به‌صورت «تصادفی ساده» و بر اساس «خصوصیات کیفی» مطالعه شدند. در نهایت پس بررسی باستان‌شناختی محوطه، سفال‌های دوره‌ی اسلامی محوطه‌ی آنداجین طبقه‌بندی و گونه‌شناسی شده و به منظور مقایسه و گاهنگاری نسبی آن‌ها، مطالعات سفال سایر محوطه‌های دوران اسلامی شاخص نیز مورد توجه قرار گرفت.

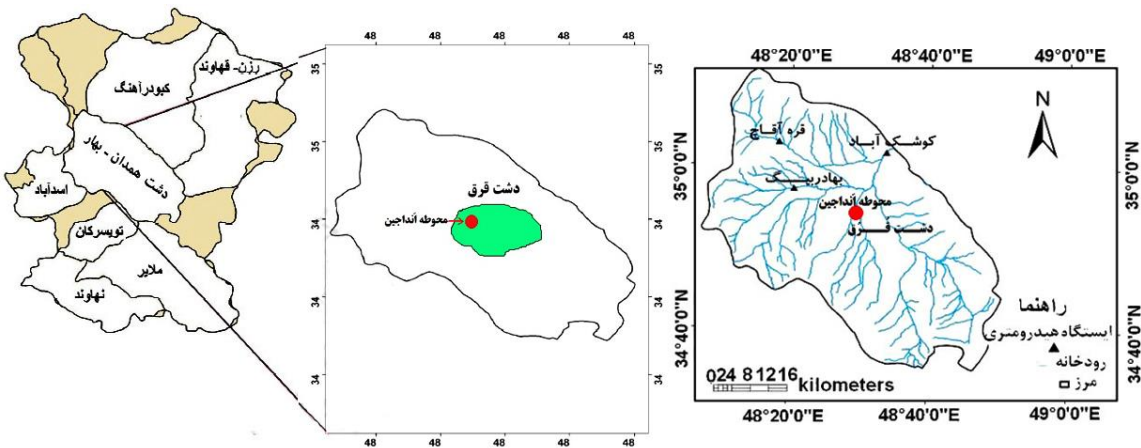
۳ پیشینه‌ی پژوهش

در خصوص سابقه‌ی بررسی باستان‌شناختی سفالینه‌های دوره‌ی اسلامی دشت همدان - بهار و به تبع آن محوطه‌ی آنداجین در دوره‌ی اسلامی، تاکنون مطالعات هدفمندی در ارتباط با شناخت وضعیت این دسته از آثار صورت نگرفته است و تنها می‌توان به اطلاعات کلی جمع‌آوری شده از آن در تک‌نگارها اشاره نمود. بخش عمده‌ای از مطالعات باستان‌شناسی حوزه‌ی سفالینه‌های دشت همدان مربوط به دوران تاریخی و پیش از تاریخی است. در بررسی‌های باستان‌شناختی از سوی اعضای هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا در سطح منطقه طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ به داده‌های سفالی دوره‌ی اسلامی این منطقه و تپه‌های شاخص آن به نام‌های قُرقُ (Ghorogh) و ساری قیه اشاره شده است (محمدی فر و مترجم، ۱۳۸۵؛ مترجم و بلمکی، ۱۳۸۸؛ نظری ارشد، ۱۳۹۱). در مقاله «بررسی و تحلیل سفال‌های اسلامی محوطه‌ی زینوآباد بهار - همدان»؛ (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵) به نمونه‌هایی از آثار سفالی دوره‌ی اسلامی محوطه زینوآباد در بخش شمالی دشت همدان پرداخته شده است. «بررسی و تحلیل گونه‌شناسی سفالینه‌های آغاز دوران اسلامی تا پایان دوره‌ی صفوی منطقه‌ی همدان»؛ (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸) از دیگر تحقیقاتی است که به مطالعه‌ی مجموع سفال‌های اسلامی استان همدان که از خلال کاوش‌ها و بررسی‌ها به دست

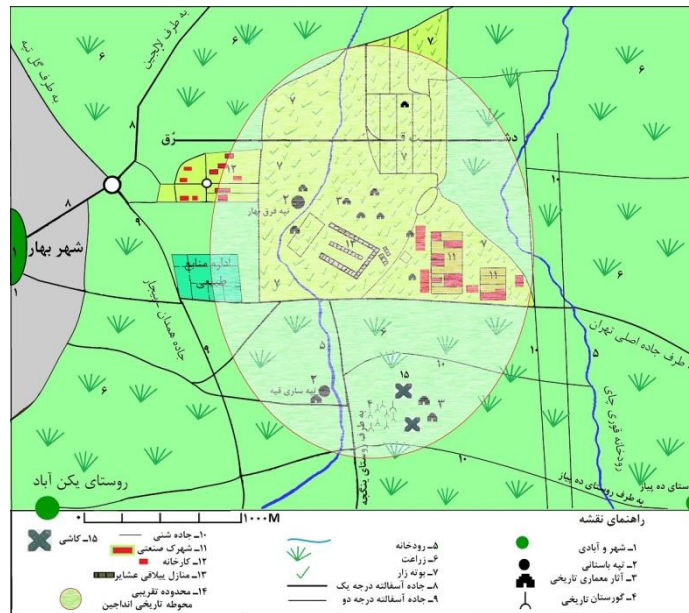
معماری محوطه به صورت معماری خشتی - چینه‌ای و سنگی - آجری در بخش جنوب شرقی و شمالی محوطه، و گورستان تاریخی در سمت جنوبی آن نمایان است. مهم‌ترین منبع آب محوطه آنداجین رودخانه‌هایی است که از کوهستان الوند به این منطقه در جریان‌اند. از جمله این منابع سطحی می‌توان به رودخانه‌های فصلی قره چای (قوری چای)، آوسجرد، و فرجین، رود مریانچ و چندین رودخانه فصلی دیگر که از غرب و شمال محوطه عبور می‌کنند، اشاره نمود که برخی از آن‌ها در آنجا تشکیل تالاب فصلی می‌دهد (گروسین، ۱۳۸۳)؛ (تصویر ۲).

کشتزار غنی، به عنوان چمن تا به امروز نیز مطرح بوده است. در حال حاضر آثار سفالی، قبرستان، و بقایای معماری در سطح وسیعی از منطقه پراکنده شده است (محمدی و رضائی، ۱۳۹۹: ۱۴۹).

بنا بر تحلیل عکس‌های هوایی ۱۳۴۷ ه.ش. سازمان نقشه‌برداری کشور از منطقه‌ی همدان، محوطه‌ی آنداجین تا قبل از انقلاب اسلامی و اجرای تقسیم اراضی به خرده مالکین، به صورت تپه‌های عظیم و گسترده‌ای بوده که بخش عمده‌ای از آثار و مواد فرهنگی آن بدون دخل و تصرف عامل انسانی پابرجا بوده است. امروزه تنها بقایایی از مصالح



تصویر ۱. حوزه‌های آبریز دشت همدان بهار و موقعیت جغرافیایی محوطه آنداجین در میان دشت فرقی (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۲. نقشه باستان‌شناسی محوطه اسلامی آنداجین (مأخذ: نگارندگان)

آنداجین پس از طبقه‌بندی و گونه‌شناسی، جهت مقایسه‌ی قطعات سفالی، از داده‌های سفالی محوطه‌های مشابه استفاده شده است و اساس گاه‌نگاری منطقه بر مبنای سبک‌های سفالی دورن و برون منطقه‌ای همچون جیرفت، قلعه سنگ سیرجان، زلف‌آباد، آوه، جرجان، کاشان، تهیق خمین، تخت سلیمان، ری، مسجد جامع بروجرد، بیستون، معماری دستکند سامن، ارزانفود، زینوآباد و هگمتانه همدان، قرار داده شده است (جدول ۱).

۵/۱ سفال بدون لعاب:

به دلیل نبود ویژگی شاخص در بسیاری از سفالینه‌های بدون لعاب نمی‌توان به قطع آن‌ها را به بازه‌ی زمانی خاصی از دوره‌ی اسلامی و یا تاریخی محدود نمود؛ علاوه بر این، نبود یک کاوش با رویکرد گاه‌نگاری در محوطه‌های مربوط به سده‌های نخستین اسلامی در منطقه، اطلاعات ما از ویژگی‌های سفالگری این دوران را بسیار محدود کرده و تشخیص تعلق آن‌ها به یک دوره‌ی خاص را تقریباً غیرممکن می‌سازد. به همین دلیل این سفالینه‌ها تنها با مطالعات گونه‌شناختی با مراکز شاخص این دوران شناخته شده‌اند. به عبارتی دیگر، از نظر گاه‌نگاری سفال‌های بدون لعاب ساده در ادوار مختلف

۵ طبقه‌بندی و گاه‌نگاری نسبی سفال‌های اسلامی محوطه آنداجین

داده‌های سفالی محوطه‌ی آنداجین مهم‌ترین یافته‌های آن محسوب می‌شود که مدارک دست‌اول برای تاریخ‌گذاری و نیز مدارک حائز اهمیت جهت تحلیل وضعیت ساختار اجتماعی و اقتصادی آن به شمار می‌آید. پراکندگی سفال در بیشتر بخش‌های محوطه دیده می‌شود، اما بیشترین حجم پراکندگی مربوط به بخش جنوبی و شمالی محوطه در کنار سایر یافته‌های باستان‌شناختی است. شاید یکی از دلایلی که آثار سفالی کمتر از بخش مرکزی محوطه به دست آمده تسطیح محوطه و کشت‌های پی‌درپی مردم در آن بوده است. با استناد به پراکندگی سفال‌های قرن چهارم تا هشتم هجری با ویژگی‌های فنی و تزئینی متنوع در سطح محوطه، تمرکز اصلی، مطالعه‌ی این دسته از سفال‌هاست که با استفاده از روش نمونه‌برداری تصادفی ساده از تمام سطح منطقه جمع‌آوری شده که پس از مطالعه نتایج زیر به دست آمد. قطعات سفالی دوره‌ی اسلامی به دست آمده از بررسی محوطه‌ی

داشته و در بسیاری از سفالینه‌ها به کار رفته است (تصویر ۳، ش ۱۷).

سفال با نقش افزوده: دسته دیگر از سفال‌های منقوش بدون لعاب محوطه مربوط به سفال‌هایی است که با استفاده از باندهای گلی زنجیره‌ای موج و گاهی با اثر فشار تزیین شده‌اند که به نقوش افزوده طنابی معروف هستند. عمده این تزیینات بر روی گردن ظرف اجرا شده است. این دسته از سفال‌ها دارای اشکال خمه، کوزه، آبخوری و قمقه است. این نوع ظروف عموماً دارای کاربری روزمره بوده است و با ویژگی‌های مشخص از نظر بدنه، دسته، پایه و لبه، ساخته می‌شدند (تصویر ۳، ش ۸۱۱).

سفال با نقش قالبی: در محوطه‌ی آنداجین نمونه‌های مختلف این گونه سفالی شناسایی شده است. تقریباً فرم اغلب ظروف دارای تزیینات قالب‌زده، شامل کوزه و تنگ دسته‌دار یا بدون دسته هستند. تزیینات و نقوش این سفالینه‌ها به نظر می‌رسد برگرفته از پیش نمونه‌های تزیینات ظروف فلزی قرن پنجم تا هفتم هجری است. خمیره‌ی این سفالینه‌ها در دو رنگ نخودی و قهوه‌ای قرار دارد. با این حال در اینجا اکثر نمونه‌ها دارای خمیره‌ی نخودی با تزیینات هندسی است. داخل و خارج آن‌ها نیز با استفاده از دوغابی از جنس خمیره خود سفال پوشیده شده است. تنها تفاوت این گونه با سفالینه‌های ساده بدون لعاب، استفاده از تزیینات قالبی و مَه‌ری بر روی ظروف است. علاوه بر آن اشکال هندسی، اسلیمی و کتیبه‌ای نیز از دیگر تزیینات ظروف قالبی این محوطه محسوب می‌شود (تصویر ۳، ش ۱۲۱۶).

سفال‌های بدون لعاب با فن نقش افزوده و قالب‌زده با خمیره‌ی نخودی رنگ از سفال‌های رایج اوایل اسلامی تا دوره‌ی ایلخانی بوده که اوج آن به دوره‌ی سلجوقی و ایلخانی باز می‌گردد که به دلیل سهولت نقش اندازی در بسیاری از مراکز سفالگری ایران همچون نیشابور، جیرفت، ساوه، ری، نچیر، خانلق، تهیق خمین، زلف آباد، دستکند سامن و

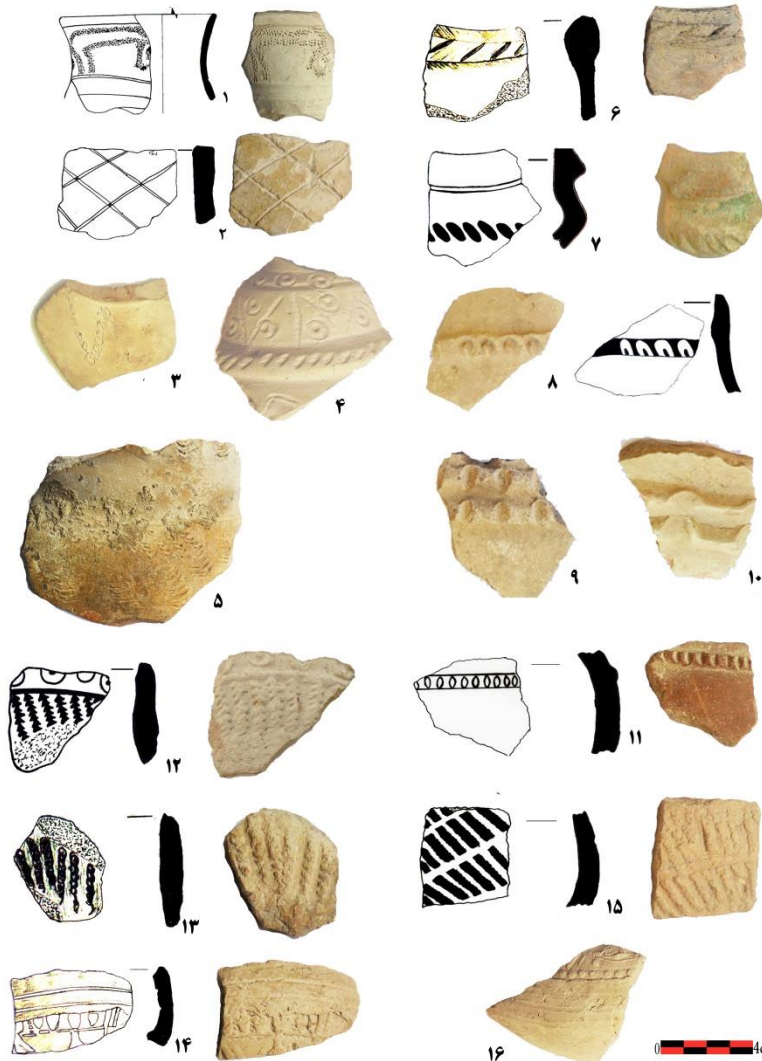
اسلامی تولید می‌شده است و نمی‌توان تاریخ دقیقی برای این دسته از سفالینه‌ها ارائه داد. در این‌گونه از سفال‌ها کیفیت ساخت، ضخامت و رنگ بدنه تا حدودی در تاریخ‌گذاری آثار سفالی به ما کمک خواهد کرد. در اینجا نمونه‌های مورد بررسی، بازه‌ای از اواخر دوره‌ی تاریخی تا اسلامی را شامل می‌شوند.

بخش عمده‌ای از سفالینه‌های به دست آمده از محوطه‌ی آنداجین را سفال‌های بدون لعاب تشکیل می‌دهند. ظروف بدون لعاب عموماً چرخ‌ساز هستند، اما قطعاتی نیز به صورت دست‌ساز در میان سفال‌ها دیده می‌شود. این دسته از ظروف با گل رس به رنگ‌های نخودی تا قهوه‌ای ساخته شده‌اند و سطح داخلی و خارجی آن‌ها با استفاده از دوغابی از جنس و رنگ خمیره، پوشش یافته است. شاموت این سفال‌ها اغلب با موادی مانند شن نرم، ماسه بادی، خرده‌های ریز آهک، ذرات ریز میکای نقره‌ای ترکیب شده است. شکل ظروف متنوع بوده و اغلب شامل ظروف دهانه باز مانند ظروف پخت و پز از قبیل تگار، لاوک، پیاله و کاسه‌های دهان‌گشاد، و ظروف دهانه بسته همچون ظروف لوله دار، تنگ، سبو، قمقه، کوزه و خمیره است. به‌طور کلی نمونه‌های بدون لعاب محوطه آنداجین به چهار دسته ی الف) سفال‌های ساده (فاقد نقش) ب) سفال با نقش کنده ج) سفال با نقش افزوده د) سفال با نقش قالبی تقسیم می‌شوند.

سفال با نقش کنده: این دسته از سفالینه‌ها نیز شامل انواع ظروف دهانه باز (ظروف پخت و پز، کاسه، بشقاب، تگار) و بسته (خمیره، انواع تنگ‌ها و ظروف آبریزی) با خمیره‌ی نخودی تا قهوه‌ای روشن است. نقش کنده شانه‌ای و هندسی موجی یا افقی؛ تراشی افقی شانه‌ای؛ نقش کنده شانه‌ای موج و نواری افقی و فشاری ابرازی دور بدنه از متداول‌ترین نقوش تزیینی، این دسته از سفال‌ها است. این تزیینات روی قسمت فوقانی ظروف همچون گردن و شکم ظرف کار شده است. تزیینات به کار رفته در سفال‌های این گروه در دوران اسلامی رواج زیادی

به محوطه زلف آباد فراهان است. فن استفاده از قالب در دوره‌ی ایلخانی همانند دوره‌ی سلجوقی، از کاربرد گسترده‌ای برخوردار بوده و ظروف با نقش برجسته با استفاده از قالب‌های منفی ساخته می‌شد (نعمتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۴). بر اساس مطالعات تطبیقی از میان سفال‌های بدون لعاب، گونه نقش قالب‌زده و افزوده با حدود ۱۰٪ از مجموع سفال‌های بدون لعاب محوطه‌ی آنداجین، متعلق به قرن چهارم تا هشتم هجری هستند.

دشت همدان به اوج خود رسید (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۱۱۱۳؛ کامبخش فرد، ۱۳۴۶: ۳۵۰؛ چوبک، ۱۳۹۱: ۱۹۰؛ مهجور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۱؛ شراهی و صدیقیان، ۱۳۹۸: ۱۴۵؛ دژم خوی، ۱۳۸۶: ۲۸؛ همتی ازندریانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۳؛ زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۲؛ Whitcomb, 1973: 81; Wilkinson, 1973: 359). یکی از مراکز اصلی تولید ظروف قالبی در دوره‌ی ایلخانی که نمونه‌های متعددی از آن - با نقش‌مایه‌های متنوع گیاهی، اسلیمی، هندسی، کتیبه‌ای، انسانی و جانوری - به دست آمده مربوط



تصویر ۳. قطعات سفالی بدون لعاب با نقوش کنده و قالب‌زده محوطه آنداجین (مأخذ: نگارندگان)

داخل یا خارج برگشته و در نمونه‌هایی تی T شکل است. خمیره این دسته از سفال‌ها، رُسی نخودی یا نخودی مایل به قهوه‌ای و شبه چینی است. لعاب این ظروف سفید، لاجوردی، فیروزه‌ای روشن تا تیره، سبز، بادمجانی، قهوه‌ای روشن تا تیره است که بخش عمده‌ای از سفال‌های لعاب‌دار تکرنگ محوطه را به خود اختصاص داده است. نمونه سفال‌های تکرنگ با خمیره شبه چینی با لعاب سبز، فیروزه‌ای و لاجوردی از نمونه‌های شاخص این گروه سفالی محسوب می‌شوند که از نظر گاه‌نگاری عمدتاً به قرن ششم تا هشتم ه.ق. مربوط است و در محوطه‌هایی همچون جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۹)، زلف آباد فراهان (نعمتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۰) و تهیق (شراهی و صدیقیان، ۱۳۹۸: ۱۴۸)، نیشابور (Wilkinson, 1973: 288; Watson. 2004: 307)، کاشان، آوه، مشکین تپه زرنديه (مهجور و صدیقیان، ۱۳۸۸: ۱۰۹)، محوطه ارزانفود (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۳.۸۴) دستکند سامن (همتی ازندریانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۵)، زینوآباد (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۴) و قرق (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۵) شناسایی و یا تولید شده‌اند (تصویر ۴، ۱۲۰).

۵،۲،۳ گونه لعاب‌دار تکرنگ منقوش:

این گروه از سفال‌ها، خمیره رُسی به رنگ نخودی، شبه چینی و چینی دارند و لعاب آن‌ها فیروزه‌ای، لاجوردی، و سبز روشن تا تیره است. در اینجا عمده خمیره سفال تکرنگ منقوش شبه چینی است. شکل این دسته از ظروف نیز بیشتر شامل ظروف کاسه، پیاله و اشکال تنگ مانند است. در اینجا تزئینات مختلف زیرلعاب به کار رفته، شامل نقش کنده هندسی یا اسلیمی، شیاری قاشقی و خیاره‌ای، تراشی موجی یا افقی، افزوده طنابی افقی یا موجی و قالبی است. با این حال دو گروه نقش کنده و نقش قالب‌زده در زیرلعاب، عمده تزئینات این گونه سفالی را تشکیل می‌دهد. نقش‌ها عمدتاً شامل طرح‌های هندسی، گیاهی، کتیبه‌ای و جانوری است. در تزئین قالبی بیشتر نقوش روی بدنه‌ی خارجی و اطراف لبه و بخش میانی، اجرا شده است. این گونه

۵،۲ سفال لعاب‌دار:

دسته‌ی دیگر از سفال‌های به دست آمده از بررسی محوطه‌ی آنداجین را قطعات لعاب‌دار تشکیل می‌دهد، که در یک تقسیم‌بندی کلی به دو گروه سفال‌های لعاب‌دار تکرنگ و سفال‌های لعاب‌دار چندرنگ تقسیم می‌شود. خمیره این سفال‌ها رُسی نخودی، نخودی مایل به قهوه‌ای و شبه چینی است. تنوع نقش و فرم این سفال‌ها نیز زیاد بوده و شامل انواع مختلف دهانه باز همچون؛ کاسه، پیاله و بشقاب و انواع دهانه بسته از قبیل؛ تنگ، کوزه و انواع ظروف لوله دار به همراه دسته است. غالباً ابعاد این سفال‌ها متوسط یا کوچک بوده است.

۵،۲،۱ سفال لعاب‌دار تکرنگ:

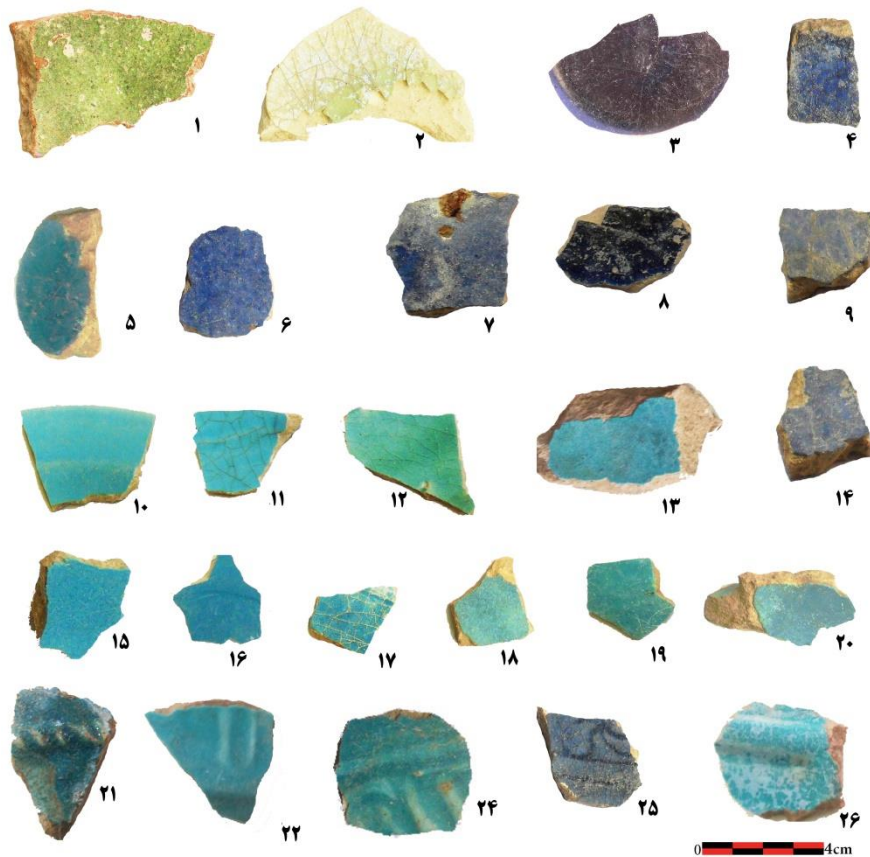
انواع سفال‌های لعاب‌دار تکرنگ در سطح محوطه-ی آنداجین شناسایی شده است. خمیره‌ی این سفال‌ها برخلاف نمونه‌های بدون لعاب، از نوع رُسی، شبه چینی و چینی است. در اینجا سفال‌های لعاب‌دار تکرنگ، به دو گروه تقسیم و هر گروه جداگانه مطالعه شده است. سفالینه‌های لعاب‌دار تکرنگ دشت همدان با استفاده از لعاب سربی به رنگ‌های فیروزه‌ای روشن تا تیره، و یا ترکیبی از لعاب سربی و لعاب شفاف قلیایی در تمام قرون اسلامی تا به امروز تولید می‌شدند. علاوه بر این، تولید سفالینه‌های لعاب‌دار لاجوردی و فیروزه‌ای به همراه لعاب شفاف قلیایی و خمیره شبه چینی از سده‌ی ششم هجری به بعد در منطقه‌ی همدان رواج داشته است (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۲). لازم به ذکر است که بیشتر قطعات سفالی به دست آمده از سفال‌های لعاب‌دار ساده و منقوش این محوطه را، قطعات سفالی فیروزه‌ای، سبز و لاجوردی قرن پنجم تا هشتم ه.ق. تشکیل می‌دهد.

۵،۲،۲ گونه لعاب‌دار تکرنگ ساده:

سفال‌های لعاب‌دار ساده تکرنگ عمدتاً شامل قطعات سفالی به شکل ظروف دهانه باز به شکل پیاله، کاسه و قح و ظروف تنگ مانند هستند. کف آن‌ها حلقوی پایه‌دار یا تخت و لبه‌ها گرد ساده، به

ارزانفود (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۴)، دستکند سامن (همتی ازندریانی، ۱۳۹۶: ۱۹۶) مسجد جامع بروجرد (گودرزی، ۱۳۹۵) و محوطه‌ی تهیق (شراهی و صدیقیان، ۱۳۹۸: ۱۴۹) به دست آمده است (تصویر ۴، ش ۲۱-۲۶).

سفالی نیز با توجه به نمونه‌های تطبیقی عمدتاً مربوط به قرن ششم تا هشتم هجری است (Wilkinson, 1973: 313). این گروه از سفال‌ها نیز بنابر پژوهش‌های نوین در محوطه‌های قلعه سنگ سیرجان (امیرحاجلو و صدیقیان، ۱۳۹۹: ۱۶۶)،



تصویر ۴. قطعات سفالی لعابدار تک‌رنگ ساده و منقوش محوطه آنداجین (مأخذ: نگارندگان)

با توجه نوع تزئینات و سبک‌های به کار رفته در آنها به موارد زیر قابل تقسیم‌اند.

۵,۲,۶ گونه نقش سیاه و آبی کباتی در زمینه‌ی فیروزه‌ای و آبی با خمیره‌ی شبه چینی و نخودی موسوم به قلم مشکی:

نمونه‌های نقاشی زیر لعاب، از شاخص‌ترین سفال‌های شناسایی شده این محوطه محسوب می‌شود که از پراکندگی نسبتاً زیادی برخوردارند. خمیره‌ی این سفال‌ها رُسی نخودی، نخودی مایل به قرمز، شبه چینی و چینی سفید است و شکل آن‌ها شامل؛ پیاله، کاسه، سبو، قدح، بشقاب و اشکال

۵,۲,۴ سفال لعابدار چندرنگ:

سفال لعابدار چندرنگ نیز، از متنوع‌ترین گروه از سفال‌های محوطه‌ی آنداجین محسوب می‌شود. این سفال‌ها خمیره‌ی رُسی، شبه چینی و چینی دارند و به دو گروه نقاشی زیرلعاب و روی لعاب تقسیم می‌شوند.

۵,۲,۵ سفالینه‌های نقاشی زیر لعاب

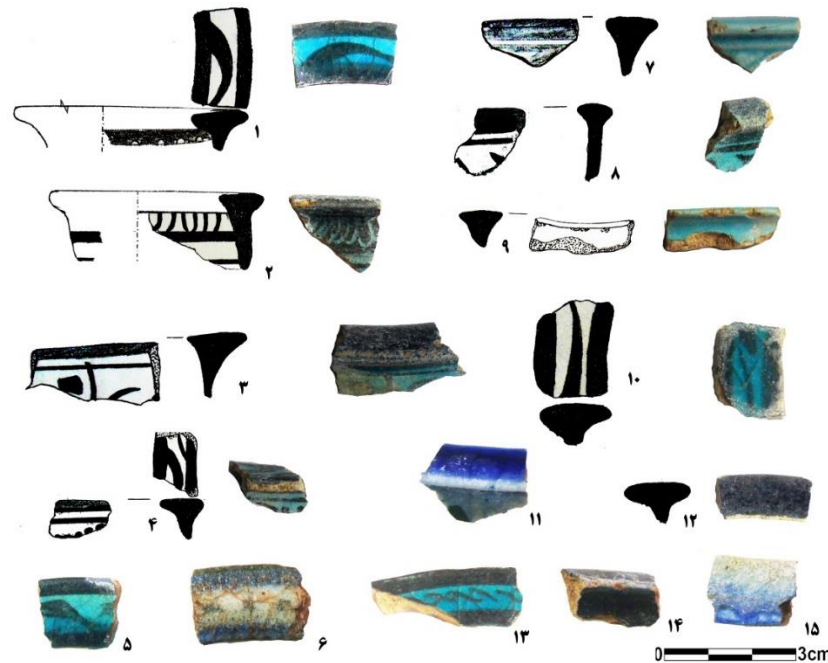
طیف وسیعی از سفال‌های لعابدار چندرنگ ادوار سلجوقی و ایلخانی محوطه‌ی آنداجین به قطعات سفالی زیر لعابی مربوط است، این دسته از سفال‌ها

آمده است (شراهی و صدیقیان، ۱۳۹۸: ۱۵۰). بیشتر تزئینات این ظروف با استفاده از الگوهای هندسی نواری، شطرنجی، درهم‌تنیده و گیاهی مسبک کار شده است؛ در بین آن‌ها استفاده از نقوش کتیبه‌ای و جانوری نیز دیده می‌شود. نقوش کتیبه‌ای در ظروف کاسه‌ای شکل و در زیر لبه با رنگ سیاه اجرا شده است (تصویر ۵، ش ۳؛ تصویر ۶، ش ۲). در مجموع گونه نقاشی زیر لعاب با خمیره‌ی شبه چینی از گونه‌های شاخص محوطه محسوب می‌شود. کاشان، ری (Treptow, 2007: 38)، نیشابور، سلطانیه (مهریار و همکاران، ۱۳۶۵: ۲۴۷)، ذلف آباد (نعمتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۰)، محوطه ارزانفود (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۹) و دستکند سامن (همتی ازندریانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۸)، مسجد جامع بروجرد (گودرزی، ۱۳۹۵)، آنداجین (محمدی و رضائی، ۱۳۹۹: ۱۵۵)، زینوآباد (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۵)، قلعه سنگ (امیرحاجلو و صدیقیان، ۱۳۹۹: ۱۷۰) و محوطه‌ی مالین (موسوی حاجی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶) از جمله مناطقی هستند که این گونه سفالی از آن به دست آمده است.

ابریقی است. فرم لبه‌ها معمولاً ساده یا به بیرون برگشته و فرم کف آن‌ها اغلب گرد پایه‌دار است. از اشکال شاخص این گونه سفالی کاسه‌های دهان‌گشاد با پایه‌های بلند مقعر و لبه‌های تخت تی (T) شکل به رنگ فیروزه‌ای و آبی - سفید با خمیره‌ی سفید شبه چینی، مربوط به قرن هفتم تا هشتم هجری است (Fehervari, 1973: 95; Grube, 1976: 177) (تصویر ۵ و ۶). در بین این دسته از ظروف، چندین قطعه از لبه به دست آمده است که روی سطح لبه نقش مسبک ماهی تکرار شده است (تصویر ۶، ش ۱، ۵، ۱۰). نمونه‌های مشابه این گونه در کاوش محوطه‌ی ارزانفود همدان به دست آمده است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۸) در اینجا تزئینات این دسته از سفال‌ها بسیار متنوع و شامل گونه‌های متعدد با نقش قالب سیاه در زمینه‌ی سبز، آبی، آبی - فیروزه‌ای و لاجوردی است که در انتها ظرف را با لعاب شفاف قلیایی پوشش داده‌اند. در برخی نمونه‌ها نقاشی دو رنگ سیاه و آبی کبالتی زیر لعاب فیروزه‌ای و خمیره‌ی شبه چینی با تزئینات هندسی نواری و اسلیمی دیده می‌شود. نمونه‌ی مشابه این گونه در کاوش‌های محوطه‌ی تهیق خمین به دست



تصویر ۵. قطعات سفالی لعاب‌دار با نقش سیاه در زمینه فیروزه‌ای محوطه آنداجین (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۶. قطعات سفالی زیرلعابی چندرنگ با فرم لبه T محوطه آنداجین (مأخذ: نگارندگان)

ظروف سفالی سبک سایه نما، سفالگر به جای نقاشی، با استفاده از شیوهی تراش روی لعاب، ظروف را تزئین می‌کرده است (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۷، ۱۱۸). این شیوهی تزئینی غالباً در قرن ۶ ه. ق. رواج زیادی داشته و احتمالاً کاشان مرکز تولیدی آن بوده است (Watson, 2004: 333-334). علاوه بر آن نمونه‌های مختلفی از این گونه سفالی از تپه گلدسته ملایر، محوطه‌ی هگمتانه و زینوآباد همدان (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۶؛ زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۶)، قلعه سنگ (امیرحاجلو و صدیقیان، ۱۳۹۹: ۱۷۰)، تهیق (شراهی و صدیقیان، ۱۳۹۸: ۱۵۰) به دست آمده است. در اینجا قطعات سفالی با نقوش ساده هندسی و گیاهی تزئین شده‌اند (تصویر ۷).

۵،۲،۷ گونه سفال سایه نما:

سفال با خمیره‌ی رُسی نخودی مایل به قرمز و شبه چینی با شیوهی نقوش کنده زیرلعاب معروف به سایه نما (Silhouette) از دیگر نمونه‌های معروف گونه نقاشی زیرلعابی در سده‌ی ششم و هفتم هجری به شمار می‌آید (امیرحاجلو و صدیقیان، ۱۳۹۹: ۱۶۸) که آثار آن از سطح محوطه‌ی آنداجین به دست آمده است. در این روش سفال را با دو رنگ آبی و سیاه لعاب می‌دادند، سپس به منظور نقش اندازی، لعاب فوقانی را بر اساس نقش‌مایه‌های گیاهی و هندسی تراش داده و در انتها با لعاب شفاف بی‌رنگ قلیایی ظرف را می‌پوشاندند (فهروری، ۱۳۸۸: ۳۶). بدین صورت نقوش تزئینی به رنگ لعاب تحتانی روی ظرف ظاهر می‌شد. در

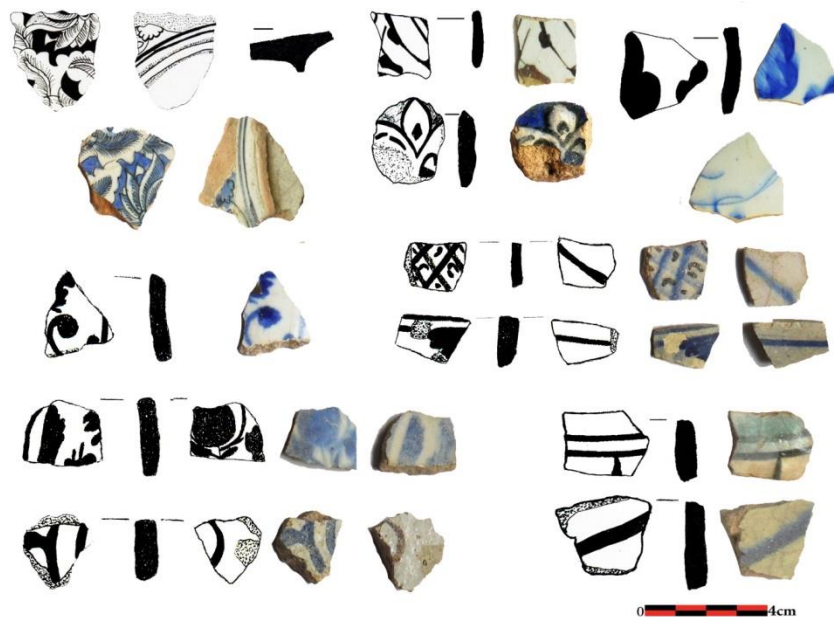


تصویر ۷. قطعات سفالی موسوم به سایه نما محوطه آنداجین (مأخذ: نگارندگان)

با بدنه‌های مقعر، بشقاب‌های پهن و کاسه‌هایی دهان‌گشاد با لبه‌های تخت T شکل است. با توجه به شواهد این نوع سفال در سده‌های ۹۶ ه.ق. در مراکز هم‌چون نیشابور (Watson, 2004: 338-339; Wilkinson, 1973: 280)، جرجان (مرتضایی، ۱۳۸۳: ۶۴)، قلعه سنگ سیرجان (امیرحاجلو و صدیقیان، ۱۳۹۹: ۱۷۰)، ری (Treptow, 2007: 37)، کاشان (صالحی کاخکی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵) بیستون (کلایس ۱۳۸۵: ۳۳۴)، تهیق (شراهی و صدیقیان، ۱۳۹۸: ۱۵۰)، محوطه‌ی مالین باخزر (موسوی حاجی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶) و دستکند زیرزمینی ارزانفود و سامن (همتی ازندریانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۲)، زینوآباد (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۵) و مسجد جامع همدان (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۸) رواج داشته است (تصویر ۸).

۵،۲،۸ گونه سفال آبی سفید:

سفال منقوش زمینه‌ی سفید با خمیره‌ی غالب شبه چینی از متنوع‌ترین و فراوان‌ترین سفال‌های نقاشی زیرلعاب محوطه به شمار می‌آید. شاخص‌ترین سفال‌های آن، نمونه‌های آبی و سفید تک‌رنگ یا دو رنگ است. این گونه سفالی از دو نوع خمیره ساده نخودی و شبه چینی ساخته و با استفاده از رنگ لاجوردی و اغلب به رنگ سیاه روی زمینه شیری یا سفید تزئین شده‌اند. از رنگ لاجوردی بیشتر از سیاه برای نقش اندازی استفاده شده است. بیشتر تزئینات این ظروف با استفاده از الگوهای هندسی و گیاهی کار شده است. با این حال نقش‌های عمودی آبی کبالتی به صورت پاشیده نیز از طرح‌های متداول این گروه سفالی است. فرم این ظروف نیز عموماً شامل سفال‌های دهان باز و کاسه‌های کوچک

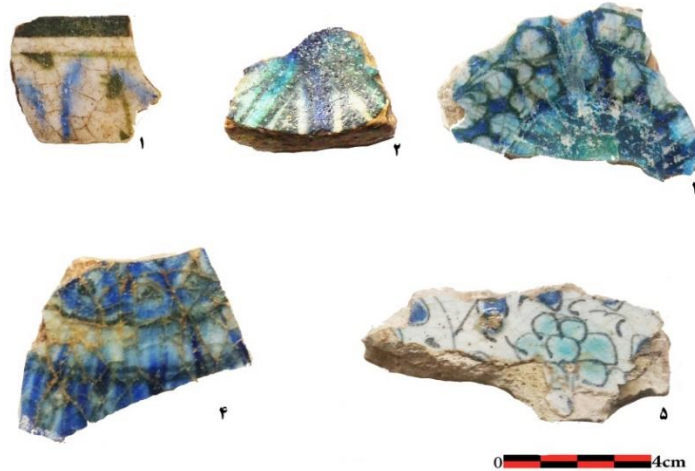


تصویر ۸. قطعات سفالی زیر لعابی نقش آبی در زمینه سفید محوطه آنداجین (مأخذ: نگارندگان)

۵،۲،۹ گونه سفال موسوم به سبک سلطان‌آباد:

ظروف زیرلعابی در زمینه سفید خمیره شبه چینی با نقوشی به رنگ سیاه و لاجوردی، فیروزه‌ای و خاکستری در زمینه شفاف شیری‌رنگ با فرم دهانه باز به شکل کاسه‌های مخروطی دهان‌گشاد با لبه‌های تخت T شکل و بشقاب‌های پهن با زاویه‌ای در بدن، از انواع دیگر نقاشی زیرلعابی محسوب می‌شود. تزئین این سفال‌ها شامل اشکال مختلف هندسی، گیاهی، جانوری و کتیبه‌نسخ است. استفاده از نقوش گیاهی روی این نوع سفالینه‌ها بیشتر دیده می‌شود. این سفال‌ها عموماً در سده‌های ۸.۶ ه.ق. در برخی از محوطه‌های ایران در

قالب سبک «سلطان‌آباد» با خمیره شبه چینی یا رُسی در سه سبک تولید شده‌اند (Watson, 2004: 233 & 339; Fehervari, 2000: 223). مشابه این سفال‌ها در بسیاری از محوطه‌های این دوره از جمله کاشان، ارزانفود (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۷)، زلف آباد (Neyestani et al, 2012: 103-105)، دستکند زیرزمینی سامن (همتی ازندریانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۰)، تخت سلیمان (Haddon, 2011: 77) محوطه‌ی هگمتانه و زینوآباد (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۶)، قلعه سنگ (امیرحاجلو و صدیقیان، ۱۳۹۹: ۱۷۰) و بنای ایلخانی بیستون (کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: ۳۵۳-۳۵۵) شناسایی شده است.



تصویر ۹. قطعات سفالی زیر لعابی سبک سلطان آباد محوطه آنداجین (مأخذ: نگارندگان)

کنده در گلابه چرخ سازند و گلابه‌ی رنگی تنها داخل ظروف را پوشانده است و بدنه‌ی خارجی ساده و فاقد هرگونه لعاب و تزئینات است؛ این ظروف با استفاده از اشکال خطی و ساده هندسی و در برخی موارد با نقوش گیاهی روی لعاب‌های سربی به رنگ‌های سفید، شیری، سبز، اخراپی و قهوه‌ای تزئین شده‌اند. شکل ظروف نیز تنها در کاسه‌ها و پیاله‌های کوچک و به‌ویژه انواع بشقاب دیده می‌شود. نمونه‌های مختلفی از این دسته از سفال‌ها در سایر محوطه‌های همجوار همچون تپه زینوآباد مهاجران، هگمتانه، قرق، محوطه‌ی قلعه باباخنجر و دستکند زیر زمینی سامن به دست آمده است (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۳۹۶؛ زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۳-۱۱۴؛ همتی ازندریانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۷).

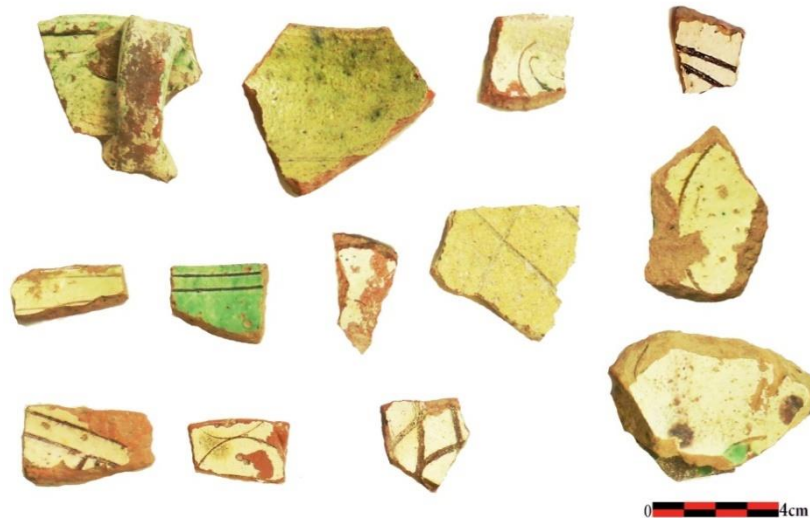
علاوه بر آن، نقش کنده در گلابه همراه با لعاب پاشیده، نقش کنده ساده در گلابه با لعاب بی‌رنگ و نقش کنده خطی در گلابه با لعاب رنگارنگ از دیگر فن‌های گلابه تراشی آثار سفالی محوطه‌ی آنداجین به شمار می‌آید. عموماً قدمت تاریخی این ظروف به سده‌های پنجم تا هفتم برمی‌گردد (شاطری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۴؛ Fehervari, 2000: 88). فن ساخت و طراحی این دسته از سفال‌ها کاملاً بومی و محلی است (ویلسن آلن، ۱۳۸۷: ۳۰). عموماً خمیره به کار رفته در این دسته از سفال‌ها به رنگ نخودی

۵،۲،۱۰ گونه سفال نقش کنده در گلابه (اسگرافیاتو):

سفال نقش کنده در گلابه محوطه‌ی آنداجین از دیگر گونه‌های شاخص این منطقه محسوب می‌شود که دارای ویژگی‌های هنری ظروف سبک آق کند و گروس است؛ بدین ترتیب که نقوش کنده روی لعاب‌های چندرنگ سبز، زرد، سفید و ارغوانی انجام گرفته و سپس قسمت‌های خاصی از ظرف نقاشی شده است (توحیدی، ۱۳۸۷: ۲۶۷). در واقع گسترده‌ترین فرهنگ سفالگری اسلامی همدان که به نظر می‌رسد از ویژگی‌های محلی نیز برخوردار است، مربوط به این سبک است (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۳). این گونه تزئینی در این منطقه به دو صورت انجام می‌شده است؛ در گونه اول، ابتدا سطح ظرف را با پوشش گلابه به رنگ‌های مختلف پوشانده و سپس نقوش خطی را روی آن کنده‌اند و در انتها سطح ظرف را با لعاب سربی شفاف پوشش داده‌اند. این سبک تزئینی گاهی اوقات با لعاب پاشیده نیز همراه بوده است. در شیوه دوم که به شیوه «لعاب بری» یا «شانلوه» معروف است. به جای کندن نقوش در گلابه، کناره‌های نقوش در گلابه را تراش داده‌اند، به صورتی که نقوش نیم برجسته به نظر می‌رسد (شاطری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۷، ۱۷۹). این ظروف با خمیره‌ای به رنگ نخودی تا قرمز ساخته شده‌اند. در اینجا سفالینه‌های نقش

نیشابور (Wilkinson, 1973: pl.4) ری (Treptow, 37: 2007)، تخت سلیمان (Naumann, 1976: 95)، کنگاور و ارومیه (schnyder, 1972: 194-196) و الموت (شاطری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۳) شناسایی شده است.

است. بیشترین نقوش به کار رفته در سفال‌های نقش‌کنده در گلابه محوطه‌های اسلامی همدان شامل نقوش اسلیمی و هندسی است (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۴)؛ (تصویر ۱۰). نمونه‌های شاخص برون منطقه‌ای این گونه سفالی از محوطه‌های



تصویر ۱۰. قطعات سفالی گونه نقش‌کنده در گلابه محوطه آنداجین (مأخذ: نگارندگان)

است. این سفال‌ها عموماً پخت مناسبی دارند، اما به دلیل ضخامت زیاد سطح یکنواختی ندارند. این ظروف با استفاده از خطوط موازی و نقوش ترکیبی هندسی و گیاهی ساده، منقوش شده‌اند. تمامی آرایه‌های این نوع ظروف با استفاده از قلم‌مو و به شکل ناشیانه کار شده است این گروه از سفال‌ها به دلیل این‌که نمونه‌های مشابه آن در بخش‌های غربی کشور به‌خصوص در مناطق مختلف استان همدان همچون دستکند سامن (همتی ازندریانی، ۱۳۹۶: ۱۹۸)، محوطه هگمتانه، تپه ده پیاز، تپه گورستان امزاجرد (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۹)، قلعه‌ی جوق فامنین (رحمانی، ۱۳۹۴: ۱۱۵) و کاوش‌های مسجد جامع بروجرد (گودرزی، ۱۳۹۵) به دست آمده، احتمالاً از ظروف محلی مناطق غربی ایران در قرن هفتم و هشتم هجری به شمار می‌آید.

۱۱، ۲، ۵ گونه نقاشی روی لعاب

ظروف لاجوردی طلانشان (تصویر ۱۱) و نقاشی روی گلابه سفید با نقوش چندرنگ با خمیره رُسی نخودی از جمله نمونه‌های نقاشی روی لعاب محوطه‌ی آنداجین است (تصویر ۱۲). ظروف رو لعابی کاسه‌ای شکل با نقوش چندرنگ (عموماً قهوه‌ای، سیاه و آبی) بر زمینه‌ی سفید با خمیره‌ی رُسی نخودی و نخودی مایل به قهوه‌ای (سفال مینایی به سبک محلی) از گونه‌های رو لعابی رایج این محوطه‌ی اسلامی است که در سطح وسیعی از آن شناسایی شده است. لعاب سربی سفیدرنگ تنها در داخل این نوع ظروف دیده می‌شود و قسمت بیرونی به جز بخشی از لبه، فاقد این نوع لعاب است. به دلیل کیفیت پایین سفال نیز اغلب در بخش‌هایی از ظرف لعاب ریخته



تصویر ۱۱. قطعه سفالی رو لعابی لاجوردی طلا نشان محوطه آنداجین (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۱۲. قطعات سفالی با نقوش چندرنگ بر روی لعاب سفید، محوطه آنداجین (مأخذ: نگارندگان)

جدول اطبقه بندی و گاهنگاری نسبی قطعات سفالی ادوار سلجوقی و ایلخانی محوطه آنداجین (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	گونه های سفالی	گاهنگاری	منبع قابل مقایسه
۱	الف) سفال بدون لعاب فاقد نقش	اواخر دوران تاریخی تا قرن هشتم هجری	زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۲؛ چوپک، ۱۳۹۱: ۱۹۰؛ کامبخش فرد، ۱۳۴۶: ۳۵۰؛ شراهی و صدیقیان، ۱۳۹۸: ۱۴۵؛ دژم خوی، ۱۳۸۶: ۲۸؛ کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۱۱.۱۳
	ب) سفال بدون لعاب با نقش کنده		
	ج) سفال بدون لعاب با نقش افزوده		
	د) سفال بدون لعاب با نقش قالبزده		
	Whitcomb, 1973: 81; Wilkinson, 1973: 359		



منبع قابل مقایسه	گاهنگاری	گونه های سفالی	نوع
شراهی و صدیقیان، ۱۳۹۸: ۱۴۸؛ چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۹؛ مهجور و صدیقیان: ۱۳۸۸: ۱۰۹؛ محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۴؛ زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۵؛ رضائی و محمدی، ۱۳۹۹: ۱۵۵؛ گروه، ۱۳۸۴: ۱۶۴	قرن پنجم تا هشتم هجری	الف) ظروف لعابدار تکرنگ ساده با خمیره رُسی و شبه چینی ب) لعابدار تکرنگ منقوش با خمیره رُسی و شبه چینی	سفال لعابدار تکرنگ
Watson. 2004: 307; Wilkinson, 1973: 288; Wilkinson, 1973: 313			
زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۶؛ امیرحاجلو و صدیقیان، ۱۳۹۹: ۱۷۰؛ موسوی حاجی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶؛ فهروری، ۱۳۸۸: ۳۶؛ کلایس ۱۳۸۵: ۳۳۴؛ کلایس و کالمایر، ۱۳۸۵: ۳۵۳، ۳۵۵؛ شاطری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۷، ۱۷۹	قرن چهارم تا هشتم هجری	الف) گونه قلم مشکی زیرلعاب فیروزه‌ای ب) سفال آبی سفید ج) سفال سایه نما نقوش زیر لعاب د) سفال سبک سلطان‌آباد ذ) سفال نقش کنده در گلابه الف) سفال لاجوردی طلانشان	۲
V&A Museum, no: 41-1908; Fehervari, 1973: 95; Grube, 1976: 177; Watson, 2004: 333- 334; Watson, 2004: 333 & 339; Treptow, 2007: 37; Fehervari, 2000: 88; Naumann, 1976: 95			
زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۹؛ گودرزی، ۱۳۹۵: همتی ازدریانی، ۱۳۹۶: ۱۹۸	قرن پنجم تا هشتم هجری	ب) سفال با نقوش چندرنگ بر روی گلابه سفید (ظروف مینایی سبک محلی)	سفال لعابدار چندرنگ
Neyestani & al, 2012: 97- 98; schnyder, 1972: 194-196			

۶ نتیجه‌گیری

لعب فیروزه‌ای، سفال سبک سلطان‌آباد، آبی سفید، سایه نما، سفال نقش کنده در گلابه، ظروف رو لعبی لاجوردی طلانشان و قطعات سفالی با نقوش چندرنگ بر روی گلابه سفید است. مشابه نمونه‌های مورد مطالعه بر اساس شکل، فن ساخت و نقش‌مایه در سایر مراکز سفالگری قرن چهارم تا هشتم هجری، همچون کاشان، نیشابور، جرجان، ری، زلف‌آباد، ساوه، تخت سلیمان، کنگاور، قلعه سنگ، بیستون، تهیق، دستکند سامن و ارزانفود، زینوآباد و قرق همدان شناسایی و مطالعه شده است که بی‌شک در هنر سفالگری منطقه‌ی مورد مطالعه تأثیرگذار بوده‌اند. این تشابه بیانگر ساخت گونه‌های سفالی در مراکز خاص و صادرات آن به دیگر مناطق از جمله این محوطه بوده و احتمالاً نشان از روابط فرهنگی گسترده مراکز جمعیتی در ادوار سلجوقی و ایلخانی داشته است. به نظر می‌رسد در این دوران نیز مسیرهای تجاری و زیارتی که از مناطق فلات مرکزی عبور کرده و وارد همدان می‌شدند، عامل اصلی تأثیرپذیری هنر سفالگری این منطقه از مناطق همجوار بوده است. در این بین، گونه چندرنگ روی گلابه سفید مشابه ظروف مینایی با کیفیت ساخت و پرداخت کم، از ظروف محلی مناطق غربی ایران در قرن هفتم و هشتم هجری به شمار می‌آید.

محوطه‌ی اسلامی آنداجین در طول ادوار تاریخی و اسلامی به جهت قرارگیری در بخش آبرفتی زیستگاه دره‌ای کوهستان الوند با موقعیت جغرافیایی و پتانسیل‌های زیستی مطلوب و همچنین قرارگیری بر سر جاده‌ی ارتباطی شرق به غرب همچون جاده خراسان بزرگ، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. نظر به مطالعه‌ی آثار سفالی برجای‌مانده از این محوطه و فراوانی به دست آمده از آن‌ها - به عنوان یکی از مراکز فرهنگی با داده‌های باستان‌شناسی ارزشمند - استقرار اصلی آن به ادوار سلجوقی و ایلخانی تعلق دارد. با توجه به این‌که در این محوطه و اطراف آن، هیچ‌گونه شواهدی از کوره‌های پخت سفال و سایر شواهد تولید سفال یافت نشده؛ احتمالاً سفالینه‌ها از مراکز دیگر تولید سفال به این محل وارد شده است. به دلیل تنوع بسیار زیاد گونه‌های سفالی از نظر شکل، بیشتر شامل انواع ظروف ذخیره‌ی غذا و خمره مانند، کاسه، بشقاب، تنگ و ابریق است. از نظر فن و تزیین، شامل گونه‌های شاخص بدون لعب با نقش کنده، افزوده و قالب‌زده، و گونه با لعب همچون ظروف لعب‌دار تک‌رنگ ساده و منقوش (ظروف تک‌رنگ با نقوش برجسته قالبی و افزوده)، قلم مشکی زیر

منابع

منابع فارسی

دژم خوی، مریم (۱۳۸۶)، «نظری اجمالی به سفال قالب‌زده عصر سلجوقی»، باستان‌پژوهی، سال نهم، شماره‌ی ۱۵، صص ۲۷-۳۱.

رحمانی، اسماعیل (۱۳۹۴)، گزارش گمانه‌زنی تعیین عرصه و حریم محوطه‌ی تاریخی قلعه جوق فامنین، همدان: سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان همدان، (منتشر نشده).

امیرحاجلو، سعید؛ صدیقیان، حسین (۱۳۹۹)، «مطالعه‌ی باستان‌شناختی سفال‌های دوران اسلامی محوطه‌ی قلعه سنگ؛ شهر قدیم سیرجان»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره‌ی ۲۵، دوره‌ی دهم، تابستان، صص ۱۵۵-۱۸۵.

توحیدی، فائق (۱۳۸۷)، فن و هنر سفالگری، تهران: سمت.



فهرواری، گزا (۱۳۸۸)، سفالگری جهان اسلام در موزه‌ی طاروق رجب کویت، ترجمه‌ی مهناز شایسته فر، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات هنر اسلامی.

کامبخش فرد، سیف‌الله (۱۳۴۶)، «سفالگری نیشابور در عهد سلجوقی»، مجله‌ی بررسی‌های تاریخی، سال دوم، صص ۳۳۹-۳۶۰.

کیانی، محمد یوسف و فاطمه کریمی (۱۳۶۴)، هنر سفالگری دوره‌ی اسلامی ایران، تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.

کلیس، ولفرام؛ کالمایر، پیتر (۱۳۸۵)، بیستون: کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۶۳، ترجمه‌ی فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری.

گروبه، ارنست. ج. (۱۳۸۴)، سفال اسلامی، ترجمه‌ی فرناز حایری، تهران: کارنگ.

گروسین، هادی (۱۳۸۳)، جغرافیای تاریخی و ... زیستگاه‌های دره‌ای الوند، همدان: شهر اندیشه.

گودرزی، محمدمهدی (۱۳۹۵)، «طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های محوطه‌ی مسجد جامع بروجرد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا (منتشر نشده)

مرتضایی، محمد (۱۳۸۳)، «گزارش مقدماتی نخستین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی در محوطه‌ی جرجان»، گزارش‌های باستان‌شناسی ۳، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، صص ۱۵۵-۱۸۸.

مترجم، عباس؛ بلمکی، بهزاد (۱۳۸۸)، گزارش مقدماتی بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان بهار، همدان:

زارعی، محمدابراهیم؛ خاکسار، علی؛ مترجم، عباس؛ امینی، فرهاد؛ و دینی، اعظم (۱۳۹۳)، «بررسی و مطالعه سفال‌های دوره‌ی ایلخانی به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی ارزانفود»، مطالعات باستان‌شناسی، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲، پاییز و زمستان صص ۷۳-۹۰.

زارعی، محمدابراهیم؛ شعبانی، محمد (۱۳۹۸)، «بررسی و تحلیل گونه‌شناسی سفالینه‌های آغاز دوران اسلامی تا پایان دوره‌ی صفوی منطقه‌ی همدان»، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، سال سوم، شماره‌ی ۸، صص ۱۰۹-۱۲۶.

چوبک، حمیده (۱۳۹۱)، «سفالینه‌های دوران اسلامی شهر کهن جیرفت»، مطالعات باستان‌شناسی، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱، صص: ۱۱۲-۸۳.

شاطری، میترا؛ لاله‌هایده؛ چوبک، حمیده (۱۳۹۸)، «بازنگری در طبقه‌بندی و تاریخ‌گذاری سفال گونه‌نقش‌کنده در گلابه (اسگرافیاتو) در ایران دوره‌ی اسلامی»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره‌ی ۲۱، دوره‌ی نهم، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۷۳-۱۸۸.

شراهی، اسماعیل؛ صدیقیان حسین (۱۳۹۸)، «مطالعه‌ی باستان‌شناختی سفال‌های قرون میانی اسلامی دستکند زیرزمینی تهیق خُمین»، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، شماره ۸، سال سوم، تابستان، صص ۱۴۱-۱۵۸.

صالحی کاخکی، احمد؛ صدیقیان، حسین؛ منتظرظهوری، مجید (۱۳۹۲)، «بررسی روند تولید آبی و سفید در ایران طی ادوار مختلف اسلامی»، پژوهش هنر، سال سوم، شماره پنجم، صص ۱۱۳-۱۱۴.

سفال‌های دوره‌ی اسلامی محوطه‌ی باستانی نچیر خالوق ری»، مطالعات باستان‌شناسی، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۲، شماره‌ی پیاپی ۴، پاییز و زمستان، صص ۱۷۳-۱۹۲.

نعمتی، محمدرضا؛ صدیقیان، حسین؛ ابراهیمی نیا، محمد (۱۳۹۱)، «بررسی سفال‌های اسلامی محوطه‌ی زلف‌آباد فراهان، استان مرکزی (فصل اول)»، باستان‌شناسی ایران، شماره‌ی ۳، پاییز ۱۳۹۱، صص ۱۲۵-۱۳۸.

نعمتی، محمدرضا؛ شراهی، اسماعیل؛ صدرائی، علی (۱۳۹۹)، «پژوهشی در سفالینه‌های قالب‌زده محوطه‌ی زلف‌آباد فراهان»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره‌ی ۲۶، دوره‌ی دهم، پاییز، صص ۱۱۹-۱۴۰.

نظری ارشد، رضا (۱۳۹۱)، «گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناختی تکمیلی شهرستان‌های همدان و تویسرکان»، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).

ویلسن آلن، جیمز (۱۳۸۳)، سفالگری اسلامی در خاورمیانه، سفالگری اسلامی، مجموعه آثار هنر اسلامی ۸، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران: مطالعات هنر اسلامی.

ویلسون آلن، جیمز (۱۳۸۷)، سفالگری در خاورمیانه از آغاز تا دوران ایلخانی در موزه آشمولین آکسفورد، ترجمه‌ی مهناز شایسته فر، تهران: مطالعات هنر اسلامی.

همتی ازندریانی، اسماعیل؛ خاکسار، علی؛ شعبانی، محمد (۱۳۹۶)، «بررسی و تحلیل سفال‌های دوره‌ی اسلامی مجموعه معماری دستکند زیرزمینی سامن ملایر»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران،

سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).

محمدی، مریم؛ شعبانی، محمد (۱۳۹۵)، «معرفی و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی محوطه‌ی زینوآباد - بهار، همدان»، پژوهش‌های باستان‌شناسی، شماره ۱۱، دوره‌ی ششم، پاییز و زمستان، صص ۱۳۵-۱۵۰.

محمدی، مریم؛ رضائی، مصطفی (۱۳۹۹)، «مطالعه‌ی تاریخی و باستان‌شناسی محوطه‌ی اسلامی آنداجین همدان»، مطالعات باستان‌شناسی، دوره‌ی ۱۲، شماره‌ی ۱، بهار، صص ۱۴۰-۱۵۹.

محمدی فر، یعقوب؛ مترجم، عباس (۱۳۸۵)، «گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش مرکزی همدان»، سازمان میراث فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).

مورگان، پیتر (۱۳۸۴)، «سفال خمیر سنگی ایرانی دوران سلجوقی»، مجموعه سفال اسلامی، گردآوری ناصر خلیلی و استفان ورونیت، تهران، کارنگ، صص ۱۳۷-۱۴۳.

موسوی حاجی؛ سید رسول؛ خدادوست، جواد؛ تقوی، عابد؛ پورعلی یاری گوکی، شهین (۱۳۹۶)، «بررسی و مطالعه‌ی تحلیلی سفالینه‌های محوطه‌ی مالین؛ شهرستان باخرز (خراسان رضوی)»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره‌ی ۱۳، دوره‌ی هفتم، تابستان، صص ۱۵۷-۱۷۲.

مهجور، فیروز؛ صدیقیان، حسین (۱۳۸۸)، «بررسی باستان‌شناسی سفال‌های اسلامی محوطه‌ی مشکین تپه استان مرکزی»، پیام باستان‌شناسی، شماره‌ی ۱۲، صص ۱۲۰-۱۰۵.

مهجور، فیروز؛ ابراهیمی نیا؛ محمد؛ صدیقیان، حسین (۱۳۹۰)، «بررسی باستان‌شناسی



شماره ۱۳، دوره هفتم، تابستان،
صص ۱۸۹، ۲۰۶.

منابع لاتین

- Fehervari, G. (1973), *Islamic pottery: A comprehensive study based on the Barlow collection*. London: Faber and Faber limited.
- Fehervari, G., (2000), *Ceramics of the Islamic World in the Tareq Rajab Museum*. London: I.B. Tauris publisher.
- Grube, E. J., (1976). *Islamic pottery of the Eight to the Fifteenth Century in the Keir Collection*, London, Faber.
- Haddon, R.A.W., (2011). *Fourteenth century fine glazed wares produced in the Iranian world, and comparisons with contemporary ones from the Golden Horde and Mamlūk Syria/Egypt*, Ph.D. Thesis. SOAS, University of London.
- Naumann, R. & Naumann, E., (1976), *Takht-I Suleiman*. Munchen.
- Neyestani, J.; Hatamian, M. J. & Sedighian, H., (2012). *Does Sultān Abād Pottery Really Produced in Sultān Abād?*, Intl. J. Humanities , 19 (3): 95-109.
- Schnyder, R., (1972), "Saljuk Pottery in Iran". In: *The International Congress of Iranian Art & Archaeology*. 189-197.
- Treptow, T. (2007). *Daily life ornamented the mediaeval Persian city of Rey*. Chicago: The oriental institute museum of the University of Chicago.
- Watson, O. (2004). *Ceramics from Islamic Lands*. Thames & Hudson Ltd, London.
- Whithcomb, D. S. (1973). *Before the Roses and Nightingales Excavations at Quasr i Abu Nasr Old Shiraz*. The Metropolitan Museum of Art, New York.
- Wilkinson, C. U. (1973). *Nishabur: Pottery of the Early Islamic Period*. The Metropolitan Museum of Art, New York.
- <https://www.vam.ac.uk>